

اصول محاکمات حقوقی

سال وفای به مال الصلح آن ننماید کسر و نقصان آنرا مستاجر به تصدیق اهل خبره معلوم نموده و تخفیف منظور گردد) به طوریکه در حکم مورد شکایت اشعار و استدلال شده مستاجر مکلف بوده پس از حدوث آفت اسناد و دلائل آنرا تهیه نموده بموجر اعلام دارد و علاوه بر آنکه مشارالیه برای حدوث آفت و اقدام بشرايط بنحوی که مقرر بوده دلیلی اقامه ننموده است و بلاحاط مزبور تحقیق محلی را لازم ندانسته بنا براین بر حکم اشکالی متوجه نبوده و باتفاق آراء ابرام میشود»

اقرار

اقرار قاطع ترین مدرک محسوب میشود بهمین جهت ماده ۱۶۹ آزمایش می گوید هر گاه کسی اقرار بامری نماید که دلیل حقیقت طرف است خواستن دلیل دیگر برای ثبوت آن حق لازم نیست ولی کمتر اتفاق می افتد که کسی نسبت بادعائی اقرار نماید در هر حال اگر کسی اقرار بحقیق برای غیر بر ضرر خود نمود ملزم به آن خواهد بود اقرار اگر در حین محاکمه در دادگاه شده باشد اقرار در دادگاه و اگر در خارج واقع شده باشد اقرار خارج از دادگاه محسوب است.

اقرار کتبی است در صورتیکه در یکی از اسناد یا لوایحی که بدادگاه داده شده است اظهار شده باشد. و شفاهی است در صورتیکه در حین محاکمه در دادگاه بمحل آمد. در اقرار شفاهی طرفی که میخواهد از اقرار طرف دیگر استفاده نماید باید از دادگاه بخواهد که اقرار در صورت مجلس قید شود؛ اقرار وکیل بنحوی که قاطع دعوی باشد در صورتی معتبر است که در وکالتنامه او تصریح بوکالت در اقرار شده باشد.

آیا قبول در خواست تحقیقات محلی برای دادگاه الزامی است یا نه؟

اگر چه با عبارت مذکور در ماده ۱۱۸ اصول محاکمات آزمایش «دادگاه میتواند تحقیقات محلی بعمل آورد» اینطور بنظر می رسد که دادگاه در رد و قبول تقاضای تحقیقات محلی مختار است ولی بالحاظ ماده ۱۷۴ آزمایش «دادگاه نمیتواند هیچ سندپرا بدون مذاقه در مفاد آن و بدون دلیل رد کند» اینطور بنظر می رسد که ماده ۱۱۸ بطور کلی دادگاه را مختار ننموده و دادگاه مکلف است تقاضای قانونی اطراف دعوی را بپذیرد - مفاد رأی دیوانعالی تمیز (هیئت عمومی) در حکم شماره ۱۲۴۸۱ ر ۳۳۴ مورخ ۲۹/۲/۱۵ این معنی را تأیید مینماید ولی این الزام دادگاه بقبول تقاضای تحقیقات محلی تا وقتی است که انجام تقاضای مزبور منافی با مندرجات اسناد ظرفین نبوده و عملی که دادگاه را در انجام تقاضای تحقیق محلی بی نیاز کند واقع نشده باشد حکم دیوانعالی تمیز شماره ۱۳۲ ر ۱۳۶۰۱ ر ۱۳۸ مورخ ۲۵/۱/۱۶ این معنی را تأیید مینماید.

حکمی از دادگاه بدایت به محکوم به مبلغی وجه نقد و مقداری آب لیمو بابت مال الاجاره از دادگاه بدایت باسناد اجاره نامه علیه کسی صادر میشود این حکم در استیناف تأیید شده است و دیوان تمیز نیز این حکم را ابرام نموده است بدین شرح «عمده اعتراض وارد مستدعی تمیز خلاصه و بنحو اجمال آنکه برای اثبات حدوث آفت تقاضای تحقیق محلی نموده و محکمه تقاضای او را مورد توجه قرار نداده است این اعتراض وارد نیست چه با التفات و توجه بشرايط مقرر در اجاره نامه (در هر سال در صوت بروز ملخ خوارگی عام یا چهارول عام در محل مستاجره بنحوی که محصول آن

قسم باید مطابق قرار دادگاه یادشود پس از انجام قسم صورت مجلسی در این خصوص تنظیم و بامضای حاکم دادگاه و شخصکه قسم یاد کرده است و طرف دعوی می رسد هرگاه قسم در غیر دادگاه صادرکننده قرار یاد شود صورت مجلس به دادگاهی که قرار قسم را صادر نموده است فرستاده میشود. صورت مجلس در دادگاه قرائت شده و بر طبق قسم دادگاه حکم می دهد.

اگر کسی که قسم یاد نموده قبل از صدور حکم اقرار کند که قسم او دروغ بوده و حق با طرف است حاکم ترتیب اثر بقسم نداده و بر حسب اقرار حکم خواهد داد ترتیب اثبات قسم و آئین آن مطابق آئین نامه وزارت عدلیه خواهد بود. در دعاوی ذیل قسم موردی نخواهد داشت:

- ۱ - دعاوی که يك طرف آن اشخاص حقوقی^{۱۳} مثل ادارات دولت و شرکتهای هستند.
- ۲ - دعاوی راجع بضرر و زیان ناشی از جرم و خسارت از محاکمه.
- ۳ - دعاوی تصرف عدوانی.
- ۴ - دعاوی مزاحمت در صورتیکه منتهی با اختلاف در حقی که موجب مزاحمت شده است نباشد.
- ۵ - دعاوی راجعه باصل امتیازاتی که از طرف دولت داده میشود.
- ۶ - دعاوی راجعه بعلائم صنعتی و اسم و علائم تجارتي و حق التصفیف و حق اختراع و امثال اینها.

رجوع به خبره

در دعوی ممکن است گاهی مسائلی پیش آید که رسیدگی آنها مستلزم داشتن اطلاعات خاص باشد قاضی هم مجبور نیست که جامع تمام علوم و فنون بوده تا بتواند شخصاً آن مسائل را مورد رسیدگی قرار دهد مثلاً تقویم زمینی مورد احتیاج است و یا میخواهد به بیند که خسارات وارده بر مدعی خسارت چیست؟ یا ترکیبات جنس تقلبی مورد دعوی از چه قرار است در شبیه این موارد دادگاه بنظر خود یا بدرخواست اصحاب دعوی و یا یکی از آنها قرار رجوع بخبره را میدهد.

ولی این موضوع را با اظهاراتی که وکیل در دادگاه می کند و منجر بمحکومیت موکل او میشود نباید اشتباه کرد مثلاً وکیل در مقام دفاع از دعوی مدعی حرفهائی می زند و از آن استفاده میشود که حق بامدعی علیه نمیباشد در این صورت نمی توان این حرفها را اقرار تلقی کرد و آنرا بر علیه موکل بواسطه فقدان وکالت مؤثر ندانست.

قسم

قانون مدنی در ماده ۱۳۲۵ میگوید در دعاوی که بشهادت شهود قابل اثبات است مدعی میتواند حکم بدعوی خود را که مورد انکار مدعی علیه است منوط بقسم او نماید مدعی علیه نیز می تواند در صورتیکه مدعی سقوط دین یا تعهد باشد حکم بدعوا را منوط بقسم کند بعلاوه در دعوی بر متوفی در صورتیکه اصل حق ثابت شده و بقاء آن در نظر حاکم ثابت نباشد حاکم میتواند از مدعی بخواهد که بر بقاء حق خود قسم یاد کند در اینمورد کسیکه از او مطالبه قسم شده است نمیتواند قسم را بمدعی علیه رد کند اینقسم قسم را استظهاری مینامند.

قانون اصول محاکمات فعلی طرز اثبات قسم را پیش بینی نکرده ولی اصول محاکماتی که در شرف تصویب است مقرراتی برای آن وضع کرده است.

در اینگونه موارد دادگاه قرار اثبات قسم صادر کرده و در آن موضوع قسم و شخصی که باید قسم را یاد کند تصریح مینماید دادگاهی که باید قسم در آنجا یاد شود تعیین وقت نموده در احضار نامه جهت حضور باید قید شود هرگاه شخصی که باید قسم یاد کند بواسطه مرض یا عذر دیگری نتواند در دادگاه حاضر شود حاکم بحسب اقتضاء مورد موعود دیگری برای قسم معین مینماید یا خود و یا نماینده اش بمحل شخصی که باید قسم یاد نماید حاضر شده و در آن محل او را قسم می دهد و اگر شخصی که باید قسم یاد نماید در مقر دادگاه دیگری باشد دادگاه میتواند بدادگاه محل مأموریت داده که قرار قسم را بموقع اجراء گذارد در مورد قسمت اخیر ماده قبل دفتر دادگاه رونوشت قرار قسم را بدادگاهی که باید در آنجا قسم یاد شود میفرستد.